

مفاهیم اساسی

جهان اجتماعی،

خلاصه کنید

– جهان اجتماعی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با موجود زنده دارد.

آنچه از این درس آموختیم



درس چهارم اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی (تشریح جهان اجتماعی)

جهان اجتماعی از چه اجزایی تشکیل شده است؟

در درس گذشته با کمک مقایسه، تصویری از جهان اجتماعی به دست آوردیم. می‌خواهیم با همین روش و به تدریج، تصویری را که از جهان اجتماعی داریم، کامل‌تر کنیم.

در پزشکی، دانشی به نام تشریح یا کالبدشناسی وجود دارد که اجزای بدن انسان و محل قرار گرفتن آنها را شناسایی می‌کند. درباره آن، چه می‌دانید؟

آیا می‌توان همانند یک کالبدشناس، اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را شناخت؟

درباره تشریح آورده‌اند؛ دانشی است که درباره اعضای بدن انسان و چگونگی ترکیب آنها بحث می‌کند و اهدافی چند دارد؛ از جمله معرفت به کمال صنع الهی^۱ و دست یافتن به علل امراض و درمان آنها. تشریح، اساس علم پزشکی است، از این رو گفته‌اند: طبیب بی‌بهره از تشریح، به ندانستن علم طب شهره است!

شما فکر می‌کنید تشریح جهان اجتماعی چگونه صورت می‌گیرد؟ اجزای آن کدام‌اند و شناسایی آنها چه فایده‌ای دارد؟

۱- به این معنا که در مجموعه آفرینش و مخلوقات خداوند هماهنگی شگفت‌آوری وجود دارد و هیچ خلل و ناهماهنگی در آن دیده نمی‌شود.

در دروس گذشته بارها جهان اجتماعی و موجود زنده را با هم مقایسه کردیم و در درس‌های آینده نیز از این روش برای شناخت بهتر جهان اجتماعی کمک می‌گیریم. در این باره لازم است به یک نکته بسیار مهم توجه کنیم که استفاده نادرست از مقایسه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری دارد. یکی از استفاده‌های نادرست، این است که صرفاً بر شباهت‌های پدیده‌های مورد مقایسه تأکید کنیم و تفاوت‌های آنها را نادیده بگیریم. حتماً متوجه شده‌اید که ما در مقایسه جهان اجتماعی و موجود زنده، هم به تفاوت‌ها و هم به شباهت‌های آنها توجه داریم. بنابراین باید از این اشتباه حذر کنیم که جهان اجتماعی و موجود زنده را کاملاً یکسان بپنداریم؛ در حالی که تفاوت‌های آنها بسیار عمیق‌تر است. مثلاً نباید گمان کنیم همان تشریحی که در پزشکی انجام می‌گیرد، در جهان اجتماعی نیز ممکن است.



■ پدیده‌های اجتماعی گوناگونی را در یک مراسم عروسی می‌توان شناسایی کرد.

جهان اجتماعی همانند بدن انسان از اجزای مختلفی تشکیل شده است. دانشمندان، جهان اجتماعی را براساس معیارهای مختلف تقسیم‌بندی و اجزای آن را شناسایی می‌کنند.

● اندازه و دامنه

پدیده‌های اجتماعی، اجزای جهان اجتماعی‌اند و می‌توان آنها را براساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب، طیفی در جهان اجتماعی ترسیم می‌شود که در یک سوی آن، پدیده‌های اجتماعی خُرد (کوچک) مانند کنش‌های اجتماعی افراد، و در سوی دیگر آن، پدیده‌های کلان (بزرگ)، مانند فرهنگ و جامعه قرار دارند. به نظر شما پدیده‌هایی مانند گروه‌ها و سازمان‌ها در کجای این طیف جای می‌گیرند؟ چرا؟

خُرد ← میانه → کلان

آیا می‌توانید پدیده‌های اجتماعی زیر را روی طیف خُرد - کلان قرار دهید؟

کلاس درس، مدرسه، نظام آموزشی

به نظر شما تقسیم‌بندی پدیده‌های اجتماعی به خُرد و کلان چه فوایدی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، به میزان اثرگذاری خود بر پدیده‌های اجتماعی خُرد و کلان یا اثرپذیری از آنها بیندیشید. مثلاً می‌توان بیکاری و راه‌های درمان آن را در سه مورد زیر با یکدیگر مقایسه کرد: بیکاری فردی که خود شایستگی و مهارت لازم را ندارد؛ بیکاری افراد یک شهر که نظام توزیع مناسبی از مشاغل در شهر آنها وجود ندارد؛ و بیکاری افراد زیادی که به دلیل نبود مشاغل کافی در جامعه بیکارند. به نظر شما حل کدام یک از مشکلات سه‌گانه مذکور آسان‌تر است؟ چرا؟



■ کنش اجتماعی خرد



■ بورس اوراق بهادار (ایران)



■ بازار ارزهای بین‌المللی (فارکس)

● ابعاد ذهنی و عینی

قبلاً دانستید تمامی پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند؛ از این رو هیچ‌یک از اجزای جهان اجتماعی فاقد معنا نیستند؛ اما همه پدیده‌های اجتماعی، بُعد محسوس و عینی ندارند. پدیده‌های اجتماعی را از جهت عینی و محسوس بودن یا ذهنی و نامحسوس بودن نیز می‌توان در یک طیف قرار داد.

در یک سوی طیف، پدیده‌هایی هستند که بُعد محسوس و مادی قوی‌تری دارند؛ مانند ساختمان‌های مسکونی و اداری یا کنش‌های بیرونی؛ و در سوی دیگر، پدیده‌هایی قرار می‌گیرند که بُعد معنایی و ذهنی بیشتری دارند؛ مثل عقاید، ارزش‌های اجتماعی و کنش‌های درونی.

ذهنی ← → عینی میانه

شما پدیده‌های اجتماعی زیر را چگونه روی طیف ذهنی - عینی قرار می‌دهید؟
 نظم، قوانین راهنمایی و رانندگی، علائم راهنمایی، سرعت گیر.

در جهان اجتماعی بُعد معنایی و ذهنی پدیده‌ها، اهمیت بسیاری دارد. در یکی از بحران‌های اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می‌بایست نفت را به گران‌ترین قیمت از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کردند، ولی جالب است بدانید به ارزان‌ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بُعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بُعد ذهنی و معنایی آن مفقود بود و صاحبان آن کشورها از اهمیت نفت و وضعیت کشورهای صنعتی و نیاز ضروری آنها به نفت اطلاع کافی نداشتند. همانند دانش‌آموزی که از استعداد سرشاری برخوردار است؛ ولی خود به آن آگاه نیست و از این استعداد بهره‌چندانی نمی‌برد!

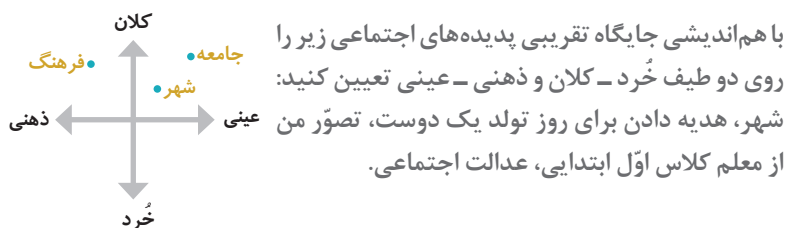


■ مراسم نخل‌گردانی، مراسمی نمادین و سمبلیک که دارای معانی متعالی و ویژه‌ای است.



■ فقر و ثروت هم‌زمان در شهرهایی مثل ریودوژانیرو به روشنی در محیط‌های ساخته شده جلوه‌گر می‌شوند.

هم‌اندیشی کنید



لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟

آیا همهٔ اعضای یک موجود زنده، اهمیت یکسانی دارند؟ مثلاً آیا قلب، مغز، چشم و دست از اهمیت یکسانی برخوردارند؟
نظر شما دربارهٔ اجزای مختلف جهان اجتماعی چیست؟ آیا همهٔ آنها اهمیت یکسانی دارند؟

در میان اعضای بدن، قلب و مغز به دلیل داشتن نقش اساسی در زنده ماندن موجود زنده، از اهمیت بیشتری نسبت به چشم و دست برخوردارند. به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، تأثیر حیاتی و تعیین کننده‌تری در جهان اجتماعی دارند؟ یادتان باشد اهمیت بیشتر برخی از پدیده‌ها به معنی بی‌اهمیتی سایر پدیده‌ها نیست. خانواده، تعلیم و تربیت، قانون، عدالت اجتماعی، لهجه‌های مختلف زبان، آداب جشن تولد، مُد، جشن فارغ‌التحصیلی.



بخش‌هایی از جهان اجتماعی به آسانی تغییر می‌کنند و تغییر آنها، تحول مهمی در جهان اجتماعی پدید نمی‌آورد. برخی می‌توانند حذف شوند، ولی با حذف آنها جهان اجتماعی تداوم می‌یابد؛ اما بخش‌های دیگر به آسانی تغییر نمی‌کنند و اگر حذف شوند، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد. به بخش‌هایی که امکان تغییر بیشتری دارند و نقش حیاتی و اساسی ندارند، «لایه‌های سطحی جهان اجتماعی» و به بخش‌هایی که تأثیر تعیین کننده بر جهان اجتماعی دارند، «لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی» می‌گویند.

لایه‌های عمیق، تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند، اما لایه‌های سطحی، هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییراند.

در سال گذشته با چهار لایه عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها آشنا شدید. به نظر شما عمیق‌ترین و سطحی‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟ چرا؟

می‌دانید که هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ ولی هنجارها و نمادها برحسب شرایط، در زمینه‌های مختلف قابل تغییراند و تغییر برخی از آنها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق منجر نشود، موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی‌شود.

عقاید و ارزش‌ها عمیق‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی هستند. عمیق‌ترین لایه جهان اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند. باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان، جایگاه انسان در آن و تفسیرشان از زندگی و مرگ خود، عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی به حساب می‌آیند.



■ استاد فرشچیان: «هنر نقاشی ایرانی، هنری است که از این فرهنگ و آب و خاک نشئت گرفته است هنری است که توان بیان اندیشه‌ها و افکار را به نحو احسن دارد.»

جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود می‌کند و دل به آن می‌سپارد، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با همان شکل می‌دهد؛ اما جامعه‌ای که هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با این عقیده سازمان می‌دهد.

● نهادها

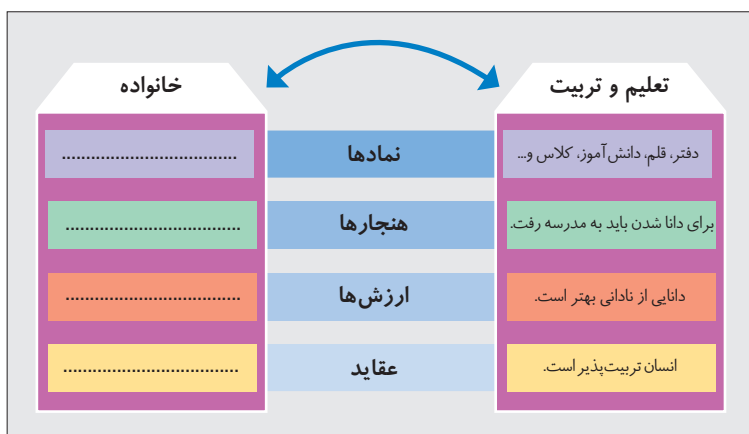
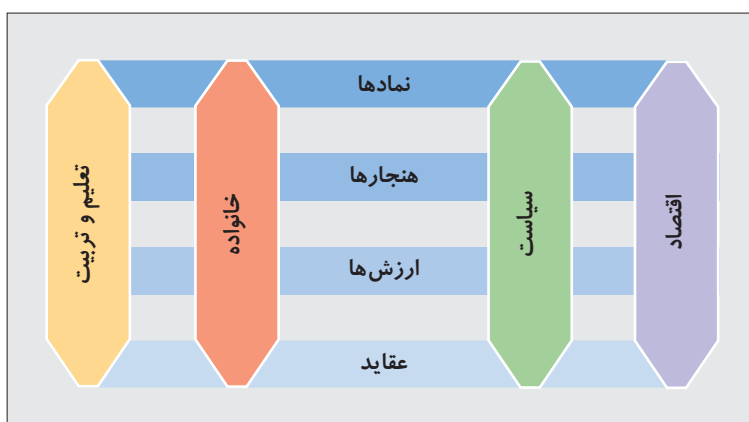
تاکنون اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را جداگانه تجزیه و تحلیل کردیم. حال می‌خواهیم اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم بررسی کنیم. وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، «**نهادهای اجتماعی**» آشکار می‌شوند.

افراد انسانی بدون آب، غذا، سرپناه، امنیت، رابطه با دیگران، دوستی، احساس رضایت از زندگی، حقیقت‌جویی، پرستش و... قادر به ادامه زندگی نیستند. به نظر شما جهان اجتماعی برای بقا چه نیازهایی دارد؟

برای تأمین نیازهای جهان اجتماعی و افراد، راه‌های متفاوتی وجود دارد؛ ولی معمولاً در هر جهان اجتماعی، نوع خاصی از این روش‌ها، پذیرفته می‌شود و قابل قبول است. در هر جهان اجتماعی این کار به کمک نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد.

«نهاد اجتماعی» مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند. هر نهاد اجتماعی شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و متقابلاً شیوه‌های غیر قابل قبول را طرد می‌کند. مثلاً نهاد اقتصاد، راه درست و مقبول یا کژراهه‌های به دست آوردن ثروت را در جهان اجتماعی تعیین می‌کند. خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند. نهادها در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا می‌دانید چرا؟

تفسیر و تکمیل کنید



متن زیر را به دقت مطالعه کنید و لایه‌های مختلف جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی عرب پیش از اسلام را استخراج کنید.

با ظهور اسلام، ارکان جهان اجتماعی جاهلی، درهم ریخته شد و جهان اجتماعی جدیدی پدید آمد. اسلام زبان مردم را تغییر نداد و بسیاری از مناسبات و روابط اجتماعی را حفظ کرد ولی اموری را تغییر داد که به مرگ جامعه پیشین و تولد جهانی جدید منجر شد. شرک، بت، قبیله، خون، شمشیر، شهوت و پول از معانی و مفاهیم جامعه پیشین بودند. این مفاهیم هم سامان اجتماعی شبه جزیره عربستان را شکل می‌دادند و هم جهان‌بینی اعراب قبل از اسلام را تعیین و مسیر شناخت آنها را مشخص می‌کردند. **بت‌ها** که در کانون نگاه مشرکانه جهان اجتماعی جاهلی بودند، هویتی قومی و قبیله‌ای داشتند و هر فرد هویت خود را در ارتباط با قبیله خود می‌شناخت و شأن و جایگاه اجتماعی او به شأن و قدرت قبیله او وابسته بود؛ خدایان متنوع، نمادها و صورت‌های مربوط به قبایل بودند که در خانه خدای گذارده شده بودند. جامعه عرب، جهان را از افق قدرت قبایل مختلف می‌دید و مناسبات و روابط را در حاشیه این قدرت سازمان می‌داد. قانون و مقرراتی فراسوی پیمان‌های قبایل مختلف وجود نداشت و شأن و مرتبه هر فرد و حقوق او به منزلت قبیله او و موقعیت او در قبیله بازمی‌گشت.

در این جهان، علم از برخورد چهره به چهره و زندگی مشترک درون این جهان پدید می‌آمد و در حفظ و استمرار آن دخیل بود و بر این اساس علم انساب برترین علوم بود، زیرا هویت نظام قبیله‌ای را حفظ می‌کرد.

جهان اسلام با مجموعه معناهایی شکل می‌گیرد که از وحی الهی بر سینه سترگ رسول خاتم، نازل شد و از آنجا در بستر تاریخ جریان یافت. الله، توحید، تقوی، وحی، عقل، علم، حقیقت، فضیلت، عدالت، قسط، ایمان، کفر و نفاق از مفاهیم محوری این نظام معنایی هستند. این معانی با برخی از مفاهیم جاهلی در ستیز آشکار قرار می‌گیرند و جز به حذف و نابودی آنها راضی نمی‌شوند و به بازخوانی و بازسازی برخی دیگر از مفاهیم جامعه جاهلی می‌پردازند. از دسته اول شرک، بت، ظلم و ربا و از دسته دوم قبیله، عشیره، عهد، پیمان، غضب و شهوت، معانی و مفاهیمی هستند که ابتدا ارتباط آنها با دیگر مفاهیم مرکزی جهان شرک قطع می‌گردد و سپس در حاشیه مفاهیم محوری جهان اسلام به صورت صله رحم، عفت و شجاعت، جهاد و شهادت بازخوانی می‌شوند. قرآن کریم روابط و مناسباتی که بر محور عصبیت قبیله‌ای شکل می‌گرفت به روابطی بر محور اعتقاد به خدای یکتا تبدیل می‌کند و روابط دنیوی را در حاشیه معانی الهی و قدسی به خدمت می‌گیرد و کسانی را که مناسبات قومی و قبیله‌ای را مقدم می‌دارند و باورها و اعتقادات دینی را در خدمت این مناسبات قرار می‌دهند، توبیخ کرده و ظالم و فاسق می‌نامد.

- اجزای جهان اجتماعی را می‌توان به صورت‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد.

[illegible]

..... نهاد اجتماعی،

[illegible]



جهان‌های اجتماعی (انسان، جهان‌های اجتماعی متنوعی پدید می‌آورد)

درس پنجم

جهان اجتماعی یا جهان‌های اجتماعی؟

نظم و همکاری میان اعضای موجود زنده، یکسان است. آیا همکاری دستگاه تنفس و گردش خون در بدن انسان‌ها، همیشه و همه‌جا یکسان نیست؟ همچنین نظم و همکاری حیواناتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند، طی عصرهای متمادی تغییری نمی‌کند؛ مثلاً زنبور عسل از هزاران سال قبل تاکنون با نظام واحدی زندگی می‌کند. آیا زندگی جمعی زنبورهای عسل سبلان و اجداد آنها در گذشته و تمامی زنبورهای عسل دنیا یکسان نیست؟ به نظر شما جهان اجتماعی انسان‌ها نیز تنها یک شکل دارد؟

شیر و آهو دو حیوان متفاوت‌اند. شیرها نیز خودشان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های اساسی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف با یکدیگر در ویژگی‌های سطحی آنهاست.

به نظر شما تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، بیشتر مانند تفاوت میان شیر و آهو است یا مانند تفاوت میان شیرهای مختلف؟

در کتاب منطق با مفهوم نوع، آشنا شدید. شیر و آهو دو نوع حیوانی هستند. می‌دانید تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های ذاتی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف، در ویژگی‌های عرضی آنهاست. آیا انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی می‌سازند یا انواعی از جهان‌های اجتماعی را پدید می‌آورند؟ چرا؟

● جهان‌های اجتماعی یکسان‌اند یا متفاوت؟

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز، جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد. ولی هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط دنیا وجود دارند؛ یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.

بخوانیم و بدانیم

در جهان غرب، نوعی تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان شکل گرفته بود. وظیفه جامعه‌شناسی، مطالعه جوامع صنعتی و شهری پیشرفته (جوامع غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه‌شناسان غربی، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیه رشد خود باقی مانده‌اند (جوامع غیرغربی). وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفه حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آنها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی بردند. از این رو، یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

● علت تفاوت و تنوع جهان اجتماعی انسان‌ها چیست؟

دانستید زندگی اجتماعی انسان‌ها بر خلاف زندگی سایر موجودات زنده، متنوع است و صورت‌های گوناگون دارد.



بچه لاک‌پشتی که تازه از تخم خارج می‌شود، از ساحل به طرف دریا حرکت می‌کند و بدون راهنمایی بزرگ‌ترها وارد دریا می‌شود و به لاک‌پشت‌های دیگر می‌پیوندد، می‌داند چه چیزی را باید بخورد؛ از چنگ چه حیواناتی باید فرار کند و کدامیک از آنها با او کاری ندارند و... به نظر شما چه نیرویی این جانور کوچک را راهنمایی می‌کند؟

رفتار سایر موجودات زنده، ناآگاهانه یا غریزی^۱ است؛ ولی جهان اجتماعی را انسان آگاه و خلاق پدید می‌آورد. انسان در قبال فرهنگی که از طریق تربیت به او منتقل می‌شود، صرفاً موجودی منفعل و پذیرنده نیست، بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار است. انسان‌ها در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند، ابتدا آن موقعیت را برای خود تعریف می‌کنند و به آن معنا می‌دهند و سپس در آن موقعیت دست به عمل می‌زنند. تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

گاهی، نوعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد که مبتنی بر تبعیض نژادی است و گاهی در تقابل با آن، جهان اجتماعی دیگری شکل می‌گیرد که نژادها، زبان‌ها و اموری از این دست را عناصر اصلی به‌شمار نمی‌آورد. آیا می‌توانید برای هر کدام از این جهان‌های اجتماعی نمونه‌ای بیاورید؟



■ جوانی به علت اعتراض به آپارتاید (جدانژادی) توسط پلیس بازداشت می‌شود.

● تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی چه نوع تفاوتی است؟

جهان اجتماعی شکل یکسانی ندارد و همواره تغییرات و تفاوت‌هایی در آن به‌وجود می‌آید؛ نسل‌ها در پی هم می‌آیند و می‌روند، شیوه‌های زندگی تفاوت پیدا می‌کنند، انقلاب‌ها رخ می‌دهند و... آیا با هر کدام از این تفاوت‌ها، جهان اجتماعی جدیدی به‌وجود می‌آید؟ هر جهان اجتماعی، تغییرات و تفاوت‌های مختلفی را درون خود می‌پذیرد. جمعیت یک جامعه کم یا زیاد می‌شود؛ اقتصاد آن رشد یا افول می‌کند و زبان و لهجه مردم دگرگون می‌شود؛ اما جهان اجتماعی هویت خود را حفظ می‌کند. گاه نیز جمعیت ثابت می‌ماند، درآمد ملی تغییر نمی‌کند و زبان متحول نمی‌شود؛ اما تفاوت‌های دیگری به‌وجود می‌آید که نشان از ظهور جهان اجتماعی جدید دارد.

۱- غریزه کششی درونی در موجود زنده است که آن را به انجام دادن رفتارهای معینی وا می‌دارد. به این معنا که موجود زنده از بدو تولد معلومات و مهارت‌هایی غیر اکتسابی دارد که قابلیت دستکاری و تغییر چندانی ندارند.

تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد؛ اما تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند.



تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است و تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها و هنجارها باز می‌گردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف نیست؛ بلکه از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود.

تحلیل کنید

- شرک و بت‌پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای، از اعتقادات و ارزش‌های بنیادی جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان بود.
 - توحید و یکتاپرستی و خلافت و کرامت انسان، از اعتقادات و ارزش‌های جهان اجتماعی اسلام است.
- با ظهور اسلام عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه جاهلی نابود شد و لایه‌های سطحی آن در خدمت اسلام قرار گرفت. بدین ترتیب زبان عربی حامل کلام و بیان الهی شد.
- تفاوت‌های جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان جزو کدام دسته از تفاوت‌هاست؟

آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

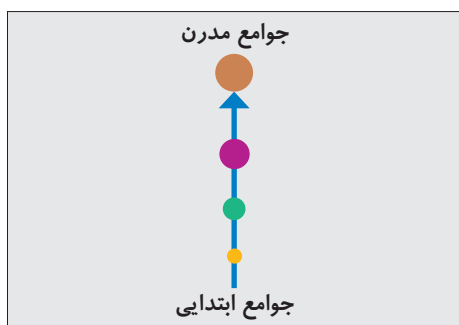
آشکار شد که جهان‌های اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌های کلان خود، متنوع‌اند. ولی این پرسش مطرح است که آیا جهان‌های اجتماعی در مسیر رشد و تحول خود نیز راه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند یا همه آنها ناگزیر از پیمودن مسیر واحدی هستند؟

اروپایی‌ها یک ضرب‌المثل قدیمی دارند که «همه راه‌ها به رُم ختم می‌شوند». این تنها یک ضرب‌المثل است ولی عده‌ای باورشان این است که زندگی اجتماعی بشر یک مسیر را طی می‌کند. آیا به راستی جهان‌های اجتماعی مسیر رشد یگانه‌ای دارند یا راه‌های متفاوتی را می‌پیمایند؟ آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

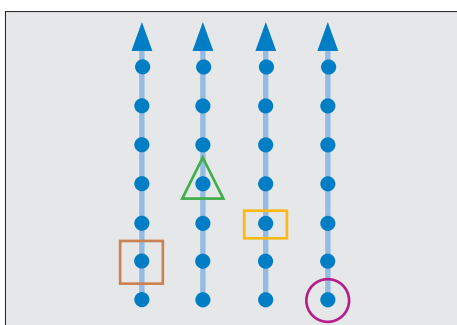


■ از نگاره‌های هندسی عظیم الجثه و باستانی تمدن نازکا در پرو که صرفاً از فاصله سیزده هزارپایی قابل شناسایی است. آنان به چه دانشی دست یافته بودند که توانستند آثاری این چنین خلق کنند؟!

عده‌ای از جامعه‌شناسان^۱ معتقدند همه جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و بر همین اساس مسیر یکسانی را نیز طی می‌کنند؛ یعنی همه آنها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوتشان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مراحل بزرگسالی پیدا می‌کند. این عده، نگاه خطی به تاریخ بشر دارند. در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند؛ بعضی از آنها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته، عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.



■ «جهان‌های اجتماعی در طول هم»



■ «جهان‌های اجتماعی در عرض هم»

۱- آگوست کنت، اسپنسر، دورکیم و مارکس از این جمله‌اند. دورکیم حرکت جوامع بشری را به دو مقطع تقسیم می‌کند. جوامع مقطع نخست را «جوامع مکانیکی» و جوامع مقطع دوم را «جوامع ارگانیکی» می‌نامد. در «جوامع مکانیکی» تقسیم کار اجتماعی شکل نگرفته است یا در حد ساده و ابتدایی است مانند تقسیم کار سنی و جنسی، ولی در «جوامع ارگانیکی» تقسیم کار گسترده وجود دارد.

در مقابل، عده دیگری از اندیشمندان اجتماعی معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، زمانی طولانی دوام می‌آورند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. مردم‌شناسان بر همین اساس از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و هند یاد می‌کنند.

در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ‌یک از آنها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر دیگری را ادامه دهد. جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان‌های اجتماعی دیگر بهره می‌برد. در صورتی که لازم باشد، تغییراتی در آنها به‌وجود می‌آورد و سپس از آنها استفاده می‌کند.

تفسیر کنید

اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار (بهره‌کشی به ناحق از دیگران و دسترنج آنها) درمی‌یابد؛ ولی در سده‌های پیشین، نظریه استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب‌مانده بود. درباره نظریه استعمار، تحقیق کنید. این نظریه محصول کدام یک از دیدگاه‌های بالا بود؟ نظریه استعمار را براساس آن دیدگاه، تفسیر کنید.

مفاهیم اساسی

تنوع جهان‌های اجتماعی،

خلاصه کنید

- انسان‌ها در جهان‌های اجتماعی مختلفی زندگی می‌کنند.

آنچه از این درس آموختیم



درس ششم پیامدهای جهان اجتماعی (درهایی که جهان اجتماعی به روی ما می‌گشاید و درهایی که می‌بندد)

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و ارادهٔ افراد است؟

در درس‌های گذشته بیان شد که افراد انسانی با آگاهی و ارادهٔ خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند. آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرگونه بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت‌های ما تأثیر می‌گذارد؟

شاه انوشیروان به موسم دی / رفت بیرون ز شهر بهر شکار / در سر راه دید مزرعه‌ای / که در آن بود مردم بسیار / اندر آن دشت پیرمردی دید / که گذشته است عمر او ز نود / دانه جوز در زمین می‌کاشت / که به فصل بهار سبز شود / گفت کسری به پیرمرد حریص / که چرا حرص می‌زنی چندین؟ / پای‌های تو بر لب گور است / تو کنون جوز می‌کنی به زمین / مرد دهقان به شاه کسری گفت / مردم از کاشتن زیان نبرند / دگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند

ملک الشعرا بهار

یکی از جامعه‌شناسان به پرسش بالا این‌گونه پاسخ می‌دهد که سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست. همچنان که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آنهاست. شما چه فکر می‌کنید؟

کلاس درس خود را در نظر بگیرید و سهم خودتان، معاصران و پیشینیان را در شکل‌گیری آن، شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

زندگی اجتماعی به منزله گفت‌وگو

تصور کنید وارد یک اتاق پذیرایی می‌شوید. دیر رسیده‌اید. وقتی که وارد می‌شوید، دیگران پیش از شما آمده‌اند و درگیر بحثی داغ هستند که نمی‌توانند آن را حتی برای چند لحظه متوقف کنند و به شما بگویند که موضوع چیست. بحث، پیش از آنکه هر یک از افراد به آنجا رسیده باشند، شروع شده است و بنابراین هیچ یک از حاضران واجد شرایط لازم نیست که بتواند به شما بگوید این بحث از چه مرحله‌ای گذشته است. مدتی می‌نشینید و گوش می‌دهید بعد به این نتیجه می‌رسید که متوجه موضوع بحث شده‌اید. آنگاه شما هم وارد بحث می‌شوید و نظر خودتان را می‌گویید. کسی به شما پاسخ می‌دهد؛ شما هم پاسخ او را می‌دهید. کسی دیگر به دفاع از شما برمی‌خیزد و یکی دیگر به صف طرف مقابل شما می‌پیوندد... به هر صورت بحث پایان ناپذیر است. دیر وقت می‌شود و شما باید بروید، اما بحث و گفت‌وگو همچنان ادامه دارد.

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید. ولی این پدیده، پس از آنکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.

قبلاً از تفاوت کنش انسان‌ها و فعالیت حیوانات سخن گفتیم. یکی از تفاوت‌های ما و حیوانات، در خانه‌سازی آشکار می‌شود. حیوانات هم مثل ما انسان‌ها که به خانه و سرپناه نیاز داریم، به لانه و سرپناه احتیاج دارند. بیشتر حیوانات خانه می‌سازند. خانه حیوانات ممکن است در مکان، شکل، مصالح، استحکام و... با خانه انسان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. ولی مهم‌ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در این است که انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی‌اش تغییر ایجاد کند. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ‌نشین، یک‌جانشین و شهرنشین متفاوت می‌شود.



■ فرصت‌ها و محدودیت‌ها

جهان اجتماعی را می‌توان همچون خانه‌ای در نظر گرفت که انسان می‌سازد؛ ولی این خانه پس از ساخته شدن، الزام‌ها و پیامدهایی برای انسان پدید می‌آورد که رفتار و زندگی او را متأثر می‌سازد. ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هر یک از ما در برابر نتایج کنش گذشتگان صرفاً کنش‌گری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم. ساختن جهان اجتماعی جدید، نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند. هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود، و در پی آن، برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

تحلیل کنید

برابر مقررات، همراه داشتن جزوه و کتاب‌درسی در جلسه امتحان ممنوع است. فرصت‌ها و محدودیت‌های این ممنوعیت را تحلیل کنید.

پیامدهای جهان اجتماعی فرصت‌اند یا محدودیت؟

برخی گمان می‌کنند پیامدهای جهان اجتماعی محدودکننده افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورد. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنا می‌کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها (یا همان بایدها و نبایدها) تحقق می‌یابد. منظور از فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی چیست؟



■ فرصت‌ها و محدودیت‌های بزرگراه‌ها

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. آیا می‌توانید بعضی از این محدودیت‌ها را نام ببرید؟ به نظر شما اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا در آن صورت رانندگان و عابران می‌توانند با ایمنی تردد کنند؟ بنابراین، مقررات راهنمایی و رانندگی با آنکه محدودیت‌هایی به وجود می‌آورند، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند، توجه کنید. این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادلهٔ معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، دو روی یک سکه‌اند.

هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد. جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.



■ بت پرستی



■ تسلط بر طبیعت

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعدادها و سرمایه‌های معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگرای خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.^۱ در فعالیت آخر درس اول از شما خواسته شده است آیه ۳۸ سوره مثر را تحلیل کنید. اکنون دوباره تلاش کنید و این آیه را دقیق‌تر تحلیل کنید.

گفت‌وگو کنید

بدون تردید همه ما، حتی محروم‌ترین افراد – اگرچه به صورت نابرابر – از جهان اجتماعی و نظم اجتماعی حاصل از آن فوایدی به‌دست می‌آوریم؛ مثلاً فقیرترین فرد، در حد معقولی می‌تواند مطمئن باشد که در خیابان‌های شهر، اتومبیل‌ها در جهت معین شده حرکت خواهند کرد و یا اینکه هر غذایی که توان خریدش را از هر فروشگاه‌ای داشته باشد در حد معقولی سالم و حلال خواهد بود. اما هر کدام از این فواید هزینه‌ای در بر دارد؛ برای مثال حرکت منظم اتومبیل‌ها، به این معنی است که ما نمی‌توانیم هر طور که بخواهیم رانندگی کنیم بدون اینکه جریمه شویم. امنیتی که ما از آن برخورداریم و در خیابان مورد هجوم قرار نمی‌گیریم هزینه‌اش این است که ما نمی‌توانیم هر از چند گاهی که هوس کردیم به دیگران حمله کنیم. البته اینها به این معنی نیست که بگوییم نظم اجتماعی ما را از آزادی محروم می‌کند. اتفاقاً آزادی ما تنها با وجود نظم اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. رابطه دوسویه نظم و آزادی از پیامدهای الزامی هر جهان اجتماعی است. در طول تاریخ عدالت اجتماعی یکی از آرمان‌های اصیل انسانی بوده است. به نظر شما رابطه دوسویه نظم و آزادی در جامعه عادل چگونه است؟

۱- زمین با انسان، انسان با روح، روح با عقل، عقل با علم، علم با عمل و عمل با اخلاص، حیات می‌یابد. پیامبر اکرم ﷺ

تار عنکبوت محکم‌ترین مادهٔ زیستی است که تاکنون شناخته شده است. تارهای ابریشمی سازندهٔ خانهٔ عنکبوت، از فولاد هم محکم‌ترند. یک تار بلند عنکبوت پیش از پاره شدن تا پنج برابر طول خود کشیده می‌شود. اگر یک عنکبوت، تاری به ضخامت انگشت شست می‌ساخت می‌توانست یک هواپیمای جمبوجت را به آسانی حمل کند. شکل خانهٔ عنکبوت نیز شگفت‌انگیز و به شکل دایره‌های متحدالمرکزی است که با شعاعی به هم متصل شده‌اند و با چسبندگی خود توان به دام انداختن حشرات را دارند. با این حال چرا قرآن آن را سست‌ترین خانه‌ها توصیف کرده است؟ (سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۴۱) خانهٔ عنکبوت و نه تارهای آن، سست‌ترین خانه‌هاست؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان. سایهٔ کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تند باد و خطر مهاجمان قادر به محافظت از او نیست. این خانه از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ در برخی عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس نر را می‌کشد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه بچه‌های خود را می‌خورد. وقتی بچه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند، خود را در یک مکان بسیار شلوغ، داخل کیسه تخم می‌بینند. این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا فضا با هم درگیر می‌شوند و یکدیگر را می‌کشند.

خدا زندگی انسان‌هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند، همچون کسانی می‌داند که به خانهٔ سستی، همچون خانهٔ عنکبوت پناه برده‌اند.

تأمل کنید

فرصت‌ها و محدودیت‌ها یا باید‌ها و نبایدهای جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف، به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، چند نمونه از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده، مدرسه و کشور جمهوری اسلامی ایران نام ببرید.

فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدّد کدام‌اند؟

منظور از جهان متجدّد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. اندیشمندان مختلف دربارهٔ ویژگی‌های این جهان اجتماعی گفت‌وگوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، برشمرده‌اند. به نظر شما ویژگی‌های این جهان کدام‌اند؟

جهان‌های اجتماعی را براساس فرهنگ آنها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند:

- جهان دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدوده منافی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جهان دنیوی همه ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

- جهان معنوی، فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند. جهان معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ جهان توحیدی است، اما جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.

این سه جهان چه تصویری از طبیعت دارند و چگونه با آن تعامل می‌کنند؟

در جهان اجتماعی دنیوی، طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد و صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است که می‌تواند به میل خود در آن دخل و تصرف کند. بهره‌وری‌های بی‌نظیر کنونی و بحران‌های زیست‌محیطی کنونی در دنیا محصول همین دیدگاه است.

جهان اساطیری طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آنها می‌بیند و با طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت، امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد. منع انسان از تناول گیاهان و حیوانات، نمونه‌ای از این محدودیت‌هاست.

در جهان توحیدی، طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند حکیم و به خواست او مسخر انسان است و انسان خلیفه الهی و مسئول عمران و آبادانی طبیعت است. تصرفات انسان در طبیعت مقید به اراده حکیمانه الهی است.

جهان متجدد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؟

یکی از متفکرانی که درباره ویژگی‌های جهان متجدد اندیشیده، ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی است. او فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی بر می‌شمارد:

جهان متجدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد.

در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و... و مسلط شدن بر آنها را به انسان می‌دهد^۱.

قوت افرنگ از علم و فن است از همین آتش، چراغش روشن است

اقبال لاهوری



■ به کارگیری علوم تجربی و فناوری حاصل از آن

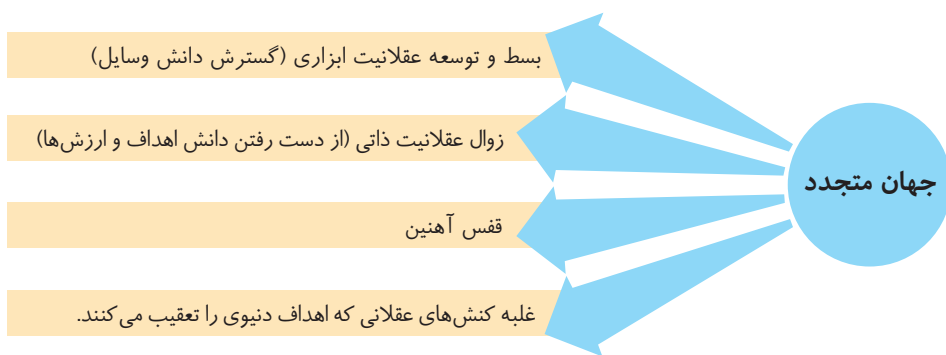
در جهان متجدّد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند (مانند استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود در بنگاه‌های اقتصادی یا استفاده از علوم مهندسی برای ساختن پل، جاده و...) به شدت رواج می‌یابند. رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند. این وضعیت، به تدریج انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود. در جهان متجدّد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند؛ به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند، به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند.

در نگاهش آدمی آب و گل است کاروان زندگی بی‌منزل است

اقبال لاهوری

۱- رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند.

جهان متجدّد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری - که پدیده‌های فراتجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند - از دست می‌رود و داوری درباره این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرّق سپرده می‌شود.^۱ آیا راهی عقلانی و علمی برای ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان‌های اجتماعی وجود دارد؟



نمودار فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد از نگاه وبر

تفسیر کنید



فیلم سینمایی «عصر جدید» را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارائه می‌کند، تفسیر کنید.

۱- از این روند، به زوال معنا و «عقلانیت ذاتی» یاد می‌شود.

مفاهیم اساسی

جهان متجدد،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– هر جهان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



شهید بهروز مرادی (معلم هنرمند و از رزمندگان مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر) و هم‌رزمانش جلوی مسجد جامع خرمشهر

درس هفتم ارزیابی جهان‌های اجتماعی (جهان‌های اجتماعی را چگونه ارزیابی و داوری کنیم)

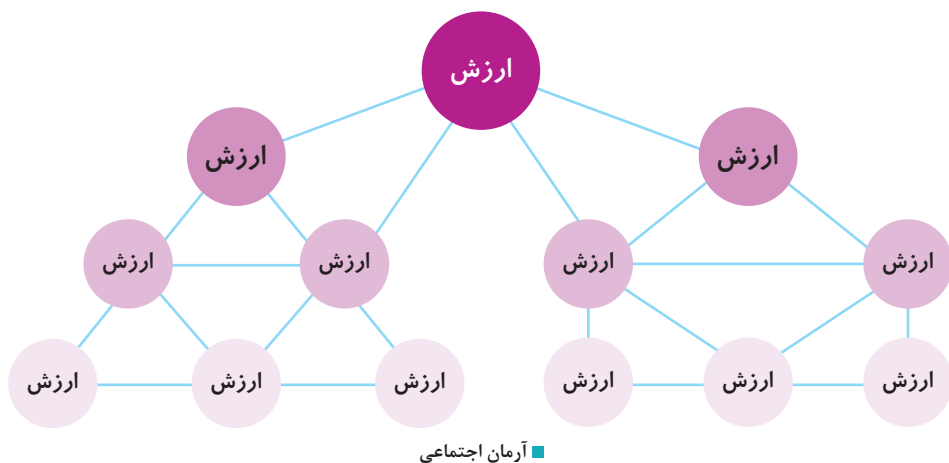
قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی کدام است؟

مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، اهداف و ارزش‌های مشترکی دارند. اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، زندگی کردن با یکدیگر، آزادی، عدالت، دفاع از مظلومان و... ارزش‌ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی‌اند. وقتی مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، ارزش‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. ولی آیا مردم همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل می‌کنند؟

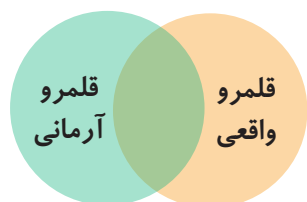
هر یک از شما اهداف و ارزش‌هایی را در زندگی خود تعقیب می‌کنید. برخی هدف‌های شما مانند انجام تکالیف درسی امروز، کوتاه مدت‌اند. برخی مانند قبول شدن و به کلاس بالاتر رفتن میان مدت‌اند و برخی مانند تبدیل شدن به یک فرد مفید در جامعه و سعادت دنیوی و اخروی، بلند مدت‌اند. رسیدن به هر کدام از این اهداف و تحقق آنها، به کنش‌های شما وابسته است.

در یک خانواده برای تهیهٔ صبحانه، نظافت‌خانه، تأمین هزینه‌ها، مقابله با سختی‌ها، عروس و داماد کردن بچه‌ها، احترام به یکدیگر و... هر عضو خانواده مسئولیتی به عهده دارد. اعضای یک جهان اجتماعی نیز، اهداف و ارزش‌های مشترکی را تعقیب می‌کنند که هر کدام برای تحقق آنها، وظیفه و مسئولیتی را برعهده دارند. آیا تمامی افراد و گروه‌ها برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی، به مسئولیت‌هایشان عمل می‌کنند؟

به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند، «آرمان اجتماعی» می‌گویند. آرمان اجتماعی تصوّر اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و... است.



آرمان‌های جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شود؛ مثلاً آرمان جهان اسلام، توحید است. جامعه‌ای، آزادی را آرمان خود می‌بیند و جامعه‌ای دیگر عدالت را و... . عموماً انسان‌ها خدمت به هم‌نوعان خود را خوب و خیانت به دیگران یا قتل نفس را گناهی بزرگ می‌شمارند. دروغ‌گویی، رشوه، دزدی را ناروا و رعایت مقررات را پسندیده می‌دانند. بسیاری از ارزش‌های یادشده را اغلب افراد جامعه رعایت می‌کنند و برخی از آنها را بعضی گروه‌ها یا افراد در عمل رعایت نمی‌کنند. ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آنها را لازم می‌دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آنها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی^۱ جهان اجتماعی را شکل می‌دهد و ارزش‌هایی که مردم به آن عمل می‌کنند، قلمرو واقعی جهان اجتماعی را می‌سازد. قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آنها براساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند. اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آنها را لازم می‌دانند، عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.



برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.

۱- آرمان‌ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار جهان اجتماعی است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می‌کنند و برخی هم آن را مراعات نمی‌کنند.

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی افراد سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی آورند. از این رو، به پیامدهای آن توجه نمی کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می دهند. این افراد ممکن است از آرمان ها و ارزش ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این گونه خطاب می کند: «ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا سخنی می گوئید که به آن عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است، سخنی بگوئید که بدان عمل نمی کنید. خداوند کسانی را دوست می دارد که در صفی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می کنند» (سوره صف، آیات ۳ و ۴).



■ تمامی افراد همواره مطابق ارزش های جهان اجتماعی خود عمل نمی کنند.

نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از قلمرو واقعی یا درون آن قرار گرفته اند.

آرمان ها	
بیرون از قلمرو واقعی	درون قلمرو واقعی
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی
ساده زیستی	احترام به پدر و مادر
.....

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم؟

واقعیت های هر جهان اجتماعی را می توان در پرتو آرمان های آن ارزیابی کرد. اگر مردمی مطابق آرمان های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می دهند. ولی آیا همه آرمان ها درست اند تا واقعیت ها را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان ها وجود دارد؟

در سراسر تاریخ، حق و باطل از آرمان‌های بشری بوده و اغلب جهان‌های اجتماعی، رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. در جهان اسلام نیز، عمل به حق و پرهیز از باطل، مهم‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی هستند. واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی براساس این دو ارزش، به دو نوع حق و باطل تقسیم می‌شود. گفته شد که واقعیت‌ها را در پرتو آرمان‌ها ارزیابی می‌کنیم و مناسب یا نامناسب بودن آنها را تشخیص می‌دهیم. حال، خود آرمان‌ها را چگونه ارزیابی کنیم؟ آیا آرمان‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟

عقایدی که مردم دربارهٔ انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، قواعدی که براساس آنها عمل می‌کنند، سبک زندگی آنها و مهارت‌هایی که در زندگی به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی اشتباه است.

هر بخش از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است. عقیده به توحید و ارزش‌های توحیدی، وفای به عهد، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از عدالت و حقوق انسان‌ها و... از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند. ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران، شرک، دنیاپرستی و... از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.

حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود. علوم تجربی توان داوری دربارهٔ فنون و روش‌های اجرایی را دارند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه مداوای بیماران را می‌توان با روش‌های تجربی شناخت.

حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان دربارهٔ انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.

جهان‌های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند و عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی، معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند.



■ تقدیس حیوانات در معابد هندوستان



■ راهبان بودایی تبتی در مراسم اخراج ارواح شیطانی از معبد که هر سال هم‌زمان با جشن سال نو برگزار می‌شود.

از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌های اجتماعی، پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی یا واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند و ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای داوری دربارهٔ درست و غلط بودن یا حق و باطل بودن آنها راهی نداریم. علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند، می‌تواند دربارهٔ حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند.

نمونه بیاورید

سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همهٔ فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید.

آرمان حق				
.....	راست‌گویی	وفای به عهد

آیا حق و باطل، تابع جهان‌های اجتماعی‌اند؟

پدیده‌ای در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرد و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد؛ مثلاً امنیت، برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای در قلمرو آرمانی و برای یک جامعهٔ بسامان، در قلمرو واقعی است.

در یک جهان اجتماعی نیز، پدیده‌ای در زمانی، آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگری لباس واقعیت می‌پوشد؛ مثلاً استقلال سیاسی در ایران، پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد. حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر نیز متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه‌اند و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ یا حق و باطل، مستقل از، پذیرش یا عدم پذیرش جهان‌های اجتماعی‌اند؟

سلطان محمود را در حالت گرسنگی بادمجان بورانی پیش آوردند. خوشش آمد و گفت: «بادمجان طعمی است خوش». ندیمی در مدح آن فصلی پرداخت. چون سیر شد، گفت: «بادمجان سخت مضر چیزی است». ندیم باز در مضرات بادمجان مبالغتی تمام کرد. سلطان گفت: «ای مردک! نه این زمان مدحش می‌گفتی؟» گفت: «من ندیم توام نه ندیم بادمجان. مرا چیزی می‌باید گفت که تو را خوش آید، نه بادمجان را».

چاپلوسی همیشه و همه‌جا عملی ناپسند بوده است. در چاپلوسی چه اتفاقی می‌افتد؟ برخی جهان‌های اجتماعی، حق و باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، وابسته می‌دانند و هیچ حقیقتی را ورای خواست و اراده افراد به رسمیت نمی‌شناسند. آیا به‌راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها، به تمایلات افراد وابسته است؟

حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود. نژادگرایی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، استکبار و غلبه بر دیگر جوامع، پول‌پرستی و شرک؛ از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. باطل بودن این عقاید و ارزش‌ها با نوع مواجهه جوامع مختلف با آنها دگرگون نمی‌شود.

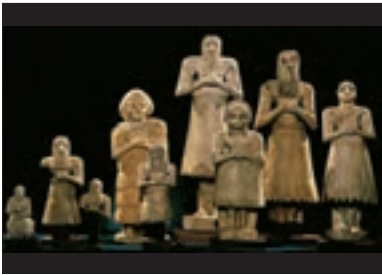


■ طرف‌داران تبعیض نژادی با اعلام اینکه «ما با سیاهان به یک مدرسه نخواهیم رفت» خواستار جدایی نژادی در مدارس شدند.



■ جوانان سیاه‌پوست به‌طور متوسط بیش از همسالان سفیدپوست خود توسط پلیس در خیابان‌های لندن متوقف و مورد پرس‌وجو قرار می‌گیرند.

آزادی انسان‌ها از همه بندها و موانع راه سعادت آنها، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان‌ها، توحید و ربوبیت خداوند سبحان نسبت به همه مخلوقات، از عقاید و ارزش‌های حقیقی و درستی هستند که حقانیت و درستی آنها با موافقت و مخالفت آدمیان تغییر نمی‌یابد.



■ توحید از جمله عقاید حق، و شرک از جمله عقاید باطل است.

جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آنها را به قلمرو آرمانی خود وارد می‌کنند و اگر هنجارها و اعمال خود را نیز براساس این عقاید و ارزش‌ها سامان دهند، آنها را به قلمرو واقعی وارد نموده‌اند.

اگر جوامع حقایق را نشناسند، و به آن ایمان نیاورند و مطابق آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدهند، از حق گسسته و به سوی باطل گام برمی‌دارند. بنابراین، حقایق هرچند خود ثابت‌اند؛ ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی، تغییرپذیرند؛ یعنی برای جهان‌های اجتماعی، امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد؛ همان‌گونه که امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد. جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آنها، دچار تغییر نمی‌شود.

بخوانیم و بدانیم

غربی‌ها در مراسم تشییع جنازه نزدیکانشان اشک نمی‌ریزند؛ اندوه خود را پنهان می‌کنند، اگر گریه‌شان بگیرد دور از چشم دیگران گریه می‌کنند و مراسم را باشکوه برگزار می‌کنند. مرده‌ها را در تابوتی گران‌بها می‌گذارند، لباس‌های رسمی به او می‌پوشانند و دفنش می‌کنند. برعکس، ایرانی‌ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می‌کنند و ابداً حزن و اندوه خود را پنهان نمی‌کنند اما مراسم تشییع جنازه‌شان چندان منظم نیست و مرده را بدون لباس‌های فاخر به خاک می‌سپارند. غربی‌ها خیلی سرد و بی‌احساس‌اند یا ایرانی‌ها بیش از حد ضعیف و احساساتی‌اند؟ گاهی ما سایر فرهنگ‌ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می‌کنیم. جامعه‌شناسان این کار را اشتباه می‌دانند، زیرا هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود معنا و کارکردی دارد. بنابراین درست نیست که ما فرهنگ دیگران را براساس فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم. اما باید توجه داشته باشیم که این امر بدان معنا نیست که مقایسه و ارزیابی فرهنگ و داوری عقلانی و علمی آنها ناممکن است. ما می‌توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ‌های دیگر را براساس معیارهای حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به معیارهای حق و یا دوری از آن را مشخص کنیم؛ برای مثال اگر پرخوری در فرهنگی پذیرفته و متداول است، ما در مقام یک فرد بیرونی می‌توانیم ضررهای آن را گوشزد کنیم. اگر جامعه‌ای عدالت را از یاد برده و به بی‌عدالتی خو کرده باشد، می‌توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم و نقد کنیم و خطرات آن را متذکر شویم.

پدیده‌های باطلی در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی جهان‌های اجتماعی وجود دارد. آیا می‌توانید مواردی را شناسایی کنید؟

ارزش‌ها و هنجارهای باطل	
قلمرو واقعی	قلمرو آرمانی
تکاثر (مال اندوزی)	تکاثر (مال اندوزی)
قبیله گرایی	قبیله گرایی
.....
.....

- برای ارزیابی جهان‌های اجتماعی معیارهایی وجود دارد.

This image shows a single sheet of white paper with horizontal blue ruling lines. The lines are evenly spaced and run across the width of the page. There is no handwriting or other markings on the paper.

..... قلمرو آرمانی،

[illegible]